

خانه کارگر جمهوری اسلامی ایران با انتشار بیانیه‌ای به مواد متعددی از لایحه برنامه هفتم توسعه کشور که طی آن برخی از حقوق کارگران از جمله سن و سابقه بازنشستگی دستخوش تغییراتی به زیان نیروهای کار کشور شده، واکنش نشان داد.

به گزارش «توسعه ایرانی»، خانه کارگر با اشاره به رویکرد خیال‌پردازانه در این لایحه معتقد است که این برنامه صرفاً با هدف کاهش هزینه‌های اجتماعی دولت و افزایش فشار بر طبقات ضعیف به خصوص کارگران و بازنشستگان تنظیم شده است.

در بیانیه این شکل صنفی آمده است: بالاخره بعد از چند نوبت اعلام قبلی برای ارائه لایحه برنامه هفتم توسعه، رئیس‌جمهور در جلسه مورخ یکشنبه بیست و هشتم خرداد ۱۴۰۲، آن را به مجلس تقدیم کرد. آنچه که در وهله اول در مورد این برنامه باید نوشت این است که ماهیت هر برنامه‌ای در عنوان آن آمده است. این پندار برنامه‌نویسی که برنامه هفتم و برنامه‌های قبلی را بودجه چهار ساله و کارکردها و پایدها و نبایدهای آن می‌داند، اساساً پنداری باطل و نادرست است چرا که در این برنامه، ما با توسعه به مفهوم میان‌مدت یا بلندمدت آن سروکار داریم که البته نحوه بودجه‌ریزی و هزینه‌کرد منابع، تاثیر به‌سزایی در تحقق و عدم تحقق برنامه دارد اما موضوع برنامه اگرچه باید به زبان ریاضی و عدد نوشته شود اما پندار رقومی بودن آن آسیب جبران‌ناپذیری بر توسعه و کیفیت آن دارد.

هدف از توسعه باید رفع فقر و کاهش نابرابری‌ها در کشور باشد
در ادامه این بیانیه آمده است: برنامه توسعه معمولاً متخذ از چشم‌اندازها یا برآمده از الگوی اقتصادی خاص است که غرض آن توسعه منابع انسانی یا ثروت‌یادر عرصه‌اقلیم، توسعه روستایی یا شهری و اقدامات موثر در زمینه بهبود وضعیت اجتماعی نظیر کاهش فقر، ثبات در موضوع نابرابری و حرکت به سمت کاهش آن و افزایش فرصت‌های برابر و حمایت‌شده برای طبقات زیرین اجتماعی است یا به‌طور مثال همان‌طور که مقام‌معظم رهبری در دیدار با کارگران به‌مناسبت یازدهم اردیبهشت سال ۱۴۰۲ فرمودند، تقویت مهارت‌ها از طریق توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای یا حذف مشاغل کاذب و دستیابی به میزان معینی از اشتغال تا می‌کاهش آلام حقوق‌بگیران بر مبنای یک مدل معین اقتصادی است و نهایتاً اینکه برنامه توسعه باید همه را به این موضوع قانع کند که طی سال‌های آتی، مدل و الگوی توسعه مورد نظر به بهبود و افزایش توانمندی‌ها یا دسترسی به اهداف مورد نظر ممکن خواهد شد.

توسعه با ایجاد تورم و پرش قیمت‌ها شکل نخواهد گرفت
در ادامه می‌خوانیم: برنامه هفتم که به گمان نویسندگان یادنمایش کمیته‌ها را سرآغاز آن بدانند، به‌موضوع تغییر واقعیت‌های کمی مثلاً به نرخ رشد تولید ناخالص داخلی طی ۴ سال آینده یا فرض تحقق متوسط ۴ درصد بدون هیچ مباحثه و راهکاری به عنوان نتیجه برنامه اشاره می‌کند. در ظاهر این امر که رشد تولید ناخالص داخلی بانرخ ۴ درصد در سال‌های آینده می‌تواند نشانه‌ای از رونق باشد، تردیدی نیست اما از آنجایی که موضوع رشد با عبارت نرخ در یک تقارن دائمی قرار دارد باید چنین فرض کنیم که افزایش توری که به بیماری هلندی (رکود تورمی) دچار شود، می‌تواند سبب رشد تولید ناخالص داخلی باشد اما این واقعیه سبب چه توسعه‌ای می‌شود و آیا توسعه گرانی هم توسعه است؟ یا توسعه بی‌نظمی اقتصادی و پرش و جهش مستمر قیمت‌ها هم توسعه است؟ البته تحقق نرخ ۴ درصدی در صورت تحقق می‌تواند توسعه باشد اما به واقع چنین نیست چون توسعه تورم به ثروتمندتر شدن اغنیا و فقر بیشتر فقرا منتهی می‌شود. چنین توسعه‌ای یا بهتر بگوییم چنین نگاهی به توسعه، جز از ذهن‌های معطوف به سرمایه‌داری سوداگرا نه صادر نمی‌شود. به این دلیل و ده‌ها و صدها مشخصه دیگر، لایحه

تقدیمی دولت، نه توسعه میناست و نه به توسعه خواهد انجامید. اگرچه باور ما این است که هر اقتصاد برنامه‌داری بهتر از اقتصاد بدون برنامه است اما تبیین هرج و مرج اقتصادی و افزایش مستمر قیمت‌ها و گرانی سنگین و طاقت‌فرسا و بیان عددی آنها نمی‌تواند به توسعه بیانجامد. حتی سرمایه‌داری نوین نیز در یافته است که بدون مهار تورم توسعه ممکن نیست. از این جهت ده‌ها سال است که تلاش در جهت کاهش تورم به نرخ‌های زیر چهار درصد رواج یافته و کمتر کشوری تورم بالای ۱۰ درصد دارد. متوسط تورم بیش از ۴۰ درصدی در ۵ سال اخیر قطعاً این مفهوم را به ما یادآوری می‌کند که بدون ثبات قیمت‌ها فقط هیچ برنامه توسعه‌قوی یا ضعیف، درست یا غلط تحقق نخواهد یافت بلکه تمامی سرمایه‌های ذهنی اعتمادبخش گذشته را نیز به باد فناداده است و اینک جز با نگاهی معطوف به مشکلات بنیادی در مورد قیمت‌ها نمی‌توان در مورد عمل در سست به بودجه‌های سالانه و نتایج صحیح از آنها یا از لایحه قانون برنامه هفتم سخن گفت.

خصوصی‌سازی، نسخه‌ای شکست‌خورده برای توسعه کشور است
در ادامه این بیانیه آمده است: با این مقدمات، اهداف خود را از صدور این بیانیه که مقصد آن توجه دادن نمایندگان محترم مجلس به واقعیت‌های موجود و توجه به توسعه به‌جای رشد در قانون برنامه و تبیین صحیح مولفه‌های توسعه برای سال‌های آینده و تنویر افکار عمومی به خصوص بیان مطالبات و خواسته‌های کارگران در قانون برنامه، اعلام می‌کنیم. نمایندگان مجلس باید در مورد ضعف‌های این لایحه، عناوین زیر را طرف دقت قرار دهند:

۱. به مولفه‌های اقتصاد ایران در برنامه هفتم توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی توجه کافی مبذول نشده، بلکه مدل اقتصاد منفعت‌گرا و روش‌های نخ‌نما شده سرمایه‌داری نظیر تکیه افراطی بر خصوصی‌سازی یا دستورات بودجه‌ای که به تخریب بینان‌های حمایتی در حوزه اجتماعی و فرهنگی خواهد انجامید، نکات شاخص و شاهبیت این برنامه تلقی می‌شود.

۲. در این برنامه ظرفیت‌های موجود در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نادیده گرفته شده است و به‌جای آن کلیاتی غیر منسجم و بعضاً فاقد کارکرد توسعه‌ای، آن هم به شکل جزیره‌ای و بخشی کنار هم گردآوری شده است. به‌طور مثال موضوع آمایش سرزمین که از عوامل بنیادی در توسعه کشور از مسکن گرفته تا شهرها، آب، برق، نفت، انرژی و... طرف بحث و هدف‌گذاری نیست و گویا از صورت مسأله پاک شده است در حالی که این موارد، در جغرافیای اقتصادی و بلکه در جغرافیای سیاسی و باز بایی فرهنگ اصیل ایرانی اسلامی نقش انکارناپذیری دارد و فراموشی آن، بی‌توجهی و عدم تنظیم آن چالش‌های خطرناک و جدی

خانه کارگر جمهوری اسلامی ایران:

لایحه برنامه هفتم به توسعه و رفع فقر منتهی نخواهد شد



قرار گرفته و در آینده میزان ناترازی در زندگی بازنشستگان، مستمری‌گیران و دریافت‌کنندگان خدمات درمانی تاثیرات عمیق‌تری را به‌جا خواهد گذاشت. آیا به نظر دولتمردان محترم تراز یعنی آنکه سهم تورم باید پرداخت نشود؟ اینکه دولت بدهی‌ها و تعهدات خود را در کوتاه‌مدت و بلندمدت به این صندوق‌های ذخیره‌ساز بین‌نسلی کاهش دهد، عین تراز است؟ اینکه همه مردم آسیب ببینند و مستمری و دریافت کمتری داشته باشند ولی دولت سهم کوچکی را پرداخت کند، عین تراز است؟

تورم و گرانی میلیون‌ها کارگر و بازنشسته را در دل تابستان روانه این نگاه‌ان بنگاه معاملاتی کند اما در قانون برنامه جایی برای توسعه و اجاره‌داری درست مسکن و تولید متناسب آن دیده نشده است. در برنامه فقط برخی اهداف کمی ارائه می‌شود تا ما را توجیه کند که دولت مسکن را نیز در قانون برنامه نوشته است. در این بخش هم هیچ توازنی در نوشته‌ها و مواد مشاهده نمی‌شود. پس سخن از تراز صندوق‌ها یا از میان بردن ناترازی‌ها در بخش مسکن یا صندوق‌های بازنشستگی و سایر موارد در قانون برنامه حتی به اندازه شعارهای زیبای دولت، وجود خارجی پیدا نمی‌کند، بلکه به نظر ما ناترازی در همه زمینه‌ها عارضه اصلی این برنامه خواهد بود.

هدف‌گذاری آرزوهای دست‌نیافتنی، منتج از نگرش کم‌محتواست

۵. خوش‌بینی و نگاه مثبت و امیدوارانه از توصیه‌های مقام‌معظم رهبری در سال ۱۴۰۲ است اما مخلوط کردن آن با خیال‌پردازی و امید را به آرزو و آرزو را به تخیل نزدیک کردن، از اجزایی است که در قانون برنامه به شکل افراطی دنبال شده است. البته می‌توان ادعا کرد در برنامه توسعه هفتم اگر از تخيلات خالی شود و دولت آمال ناپسند خود را در زمینه‌هایی همچون



صندوق‌های بازنشستگی محدود کند، آنگاه آنها نیز بگویند برنامه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هفتم عاری از اهداف معین، محکم و راهبردهای مناسب و تعیین‌کننده است. با این حال پوشش دادن راهبرد و هدف با آمال و آرزوهای دست‌نیافتنی و خیالات و هم‌بر انگیز در برنامه‌نویسی، از نگرشی ناپایدار و شاید کم‌محتوا منتج می‌شود. خواسته‌ما آن است که نمایندگان مجلس این برنامه را از نو بازنویسی و پردازش کنند که شاید بتوان به بعضی از آرمان‌ها در صورت تعهد و پایبندی به اجرا، تحقق بخشید.

انتظار نداشتیم که مفهوم ناترازی، افزایش محنت و زحمت نیروی کار باشد و سن و سابقه بازنشستگی برای مشاغل سخت و زیان‌آور را افزایش دهند و آن را به معنای تراز کردن صندوق‌های بازنشستگی بدانند

اقتصاددانان متمایل به سرمایه‌داری به جای اندیشه‌های منبعث از اندیشه‌های اقتصادی اسلام و قرآن است. متأسفانه این موضوع در لایحه برنامه هفتم به‌طور چشمگیری جریان دارد. نمایندگان مجلس و اعضای کمیسیون برنامه هفتم را دعوت به انسان‌مداری و دوری از تراوشات منفعت‌گرایانه با رویکردی فقیرنوازانه و مستضعف‌گرایانه داریم تا شاید چنین نگاهی سبب تغییر جدی در این لایحه شود.

۸. با وجود آنکه بیش از ۳۰ سال است از خصوصی‌سازی سخن گفته می‌شود همچنان و به رغم اثبات غلط بودن این شیوه، لایحه دولت برای برنامه هفتم توسعه به‌شکل یک‌طرفه و بدون در نظر گرفتن نیروی کار در واگذاری‌ها به این موضوع می‌پردازد البته در گذشته مشارکت کارگر و صاحب سرمایه و فروش سهام و واگذاری آن به کارگران با قیمت‌های ترجیحی مطرح بود ولی برنامه هفتم به شیوه و نگرش شکست‌خورده بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول که اقتصاد ایران و بسیاری از کشورهای جهان سوم را به غلط بازمانده از اقتصاد کمونیستی تفسیر می‌کند، نسخه‌های غلط و نادرست آنها را که به عقب‌ماندگی بیشتر کشور هانجامیده، منظر می‌گیرد و در این برنامه، بر خصوصی‌سازی بی‌هدف و پوچ تکیه زده و مرتب آن را به غلط اسباب‌تعالی و توسعه کشور می‌داند. باید گفت هیچ کشوری از راه سرمایه‌داری مطلق که خصوصی‌سازی از تصورات و برداشت‌های آنهاست، به توسعه و تعادل نرسیده است. اگر هم کشوری در جهان حاضر به توسعه و ترقی دست یافته یا در مسدار آن قرار گرفته، به واسطه نگاه معطوف به اقتصاد مختلط است که بنیاد تفکر شهید آیت‌اله دکتر بهشتی بود و همین‌جا به مناسبت فرسیدن هفتم تیر، یاد و خاطره ایشان را گرمی می‌داریم. دولت و نمایندگان مجلس را دعوت می‌کنیم که به قانون اساسی و بنیادهای اقتصادی آن وفادار مانده و سخنان و مشروح مذاکرات مجلس خبرگان را به خصوص آنهايي که از سوی این شهید مظلوم ایراد شده را رتویای چشم خود کنند. امروز تقریباً اقتصاد سرمایه‌داری به مفهوم افراطی و وحشی آن از میان رفته و حتی آمریکا که تا آغاز سال ۱۹۹۰ بر متون کلاسیک آن پای می‌شمرد به تقویت تعاونی‌ها و بنگاه‌های کوچک پای می‌فشارد. نسخه اقتصادی چین هم نشان داد که کمونیسم نیز در صورتی می‌تواند موجود بماند که نگاهی جامع‌از همه روش‌ها و مبتنی بر مقتضیات ملی به کارگیرد. از این رو اقتصاد ایران هم باید بر واقعیت‌های کشور تنظیم شود و نسخه‌های آدام اسمیتی نمی‌تواند منجی و نجات‌بخش آن باشد.

هدف توسعه، بهبود وضعیت اجتماعی از طریق کاهش فقر، ثبات در موضوع نابرابری و حرکت به سمت کاهش آن و افزایش فرصت‌های برابر و حمایت‌شده برای طبقات زیرین اجتماعی است

قوانین بالادستی و سند چشم‌انداز مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌اند

۹. عدم توجه اصولی به تبعیت از قوانین بالادستی و سند چشم‌انداز و راهبردهای اقتصاد عدالت‌محور اسلامی و بازگشت به اقتصاد مختلط منبعث از اندیشه‌های شهیدان بهشتی، مطهری و امام موسی صدر و فاصله گرفتن از ترازهای غیرانسانی و نزدیک شدن به اقتصاد انسان‌محور و انسان‌باور و حوزه اجتماعی را بر همه فصول مقدم دانستن، می‌تواند رنج و مشقت نیروی کار را کاهش دهد. نمی‌توان بنیادهایی که نام آن را نهادهای عمومی نهادهایم به یک‌باره و با فرامین برنامه‌ای به نهادهای دولتی و حلقه به گوش تبدیل کنیم، آن هم بدون توجه به سه‌جانبه‌گرایی حقیقی که همه گروه‌ها در آن دارای رای مساوی باشند یعنی آن که قانون بر نامه نمی‌تواند به‌جای سپرده‌گذاران در این صندوق‌ها تصمیم بگیرد، آنها را منحل، تعطیل یا داغام کند.

آنچه که در این بیانیه ابتدایی آمد، ذوابعاً و اجمالی از نظرات تشکیلات خانه کارگر در مورد قانون برنامه است و نشانه‌ای کوچکی از تمینیات جامعه کارگری در این حوزه است. همه چیز را ننوشتیم و همه گفته‌ها را نیاوردیم اما از نظر اتمان راه تفصیل تنظیم و به حوزه‌های تخصصی ارسال می‌کنیم. امیدواریم کمیسیون‌های تخصصی و کمیسیون تلیق به این نظرات توجه و دقت کنند. غرض ما از این بیانیه مخکوم یا مخدوش کردن خدمات هیچ یختی نیست اما با توجه به آنچه در این برنامه آمده است ناچار به اعتراض به لایحه برنامه به قصد اصلاح، بهبود و حتی تغییر جامع آن شدیم. امید است که تمامی این موضوعات مورد توجه و دقت قرار گیرد.